



## سمینار بررسی ره آورد فکری و روش اصلاح طلبانه جمال الدین افغانی

صفاءالدین تبرانیان

عمان پایتخت کشور اردن در ۱۹ نوامبر ۱۹۹۸م / ۲۸ آبان ۱۳۷۷ش میزبان پژوهشگران جهان عرب در سمینار بررسی ره آورد فکری و روش اصلاح طلبانه سیدجمال الدین افغانی بود.\* این سمینار با همکاری «سازمان اسلامی تربیت و علوم و فرهنگ» (ایسیسکو) و «موسسه جهانی اندیشه اسلامی» و میزبانی دانشگاه اردن در عمان با حضور محققانی از اردن، عراق، مراکش، عربستان سعودی، ایران و مصر در

\* مجموعه مقالات ارائه شده در این سمینار در اثری با مشخصات زیر گردآوری و به چاپ سپرده و منتشر شده است:

جمال الدین الأفغانی، *عطاءة الفکری و منهجة الإصلاح*. تحریر ابراهیم غرایبه، اردن: عمان، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۹۹۹، ۴۶۸.

چهار نشست (افتتاحیه و سه جلسه تحقیقی) که در آن ابعاد گوناگون شخصیت علمی و سیاسی جمال‌الدین مورد بحث واقع شد، منعقد گردید.

بی‌شک سیدجمال نقش مهمی در بیداری اسلامی و ملی مشرق زمین و جهان اسلام در رویارویی با استعمار، خرافه‌پرستی و جهل در سده نوزدهم میلادی را عهده‌دار است. اتخاذ روش اصلاح‌طلبانه او و نظریه بازگشت به اسلام ناب به مثابه مناسبترین راهکار در برابر تهاجم فکری و فرهنگی غرب به شمار می‌آید. جریانی که وی بنیان آن را نهاد بعدها توسط شیخ محمد عبده، شیخ محمدرشیدرضا، حسن البنا و گروه اخوان‌المسلمین، جماعت اسلامی در شبه قاره هند، جنبش اسلامی ایران و نهضت اسلامی ترکیه، پیگیری شد.

سیدجمال حامل یک تفکر استراتژیک در ضرورت «وحدت مسلمانان»، و رویارویی آنان در برابر جهان غرب بود. او نه تنها طراح «موازنه عدمی» که نظریه پرداز معرفی جوامع اسلامی به مثابه «نیروی سوم» در مقابل دو قطب استعماری آن روز جهان بود. نسل مسلمان امروز نیازمند بررسی ابعاد اندیشه، سیره سیاسی و نوع نگاه جمال‌الدین به مقوله وحدت اسلامی است. با گذشت یک سده از رحلت سیدجمال، ضرورت بازنگری آراء و اندیشه‌های وی و ارزیابی جایگاه اجتماعی او ضروری به نظر می‌رسد؛ به رغم آن که درباره جمال‌الدین اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد و دیدگاهها و کارکردهایش مصون از خطا و لغزش نبوده است. سمینار بررسی دستاوردهای فکری و روش اصلاح‌گرایانه جمال‌الدین افغانی تکاپویی لازم به منظور شناخت هویت حقیقی سید بود.

### جلسه افتتاحیه

دکتر اسحاق فرحان، عضو هیئت علمی موسسه جهانی اندیشه اسلامی آغازگر نشست افتتاحیه بود. وی طی سخنانی اظهار داشت: جمال‌الدین پرچمدار نهضت نوین اسلامی در سده گذشته و پیشگام اصلاح‌طلبان به شمار می‌آید. اندیشمند مجتهدی که امت اسلامی را به بازسازی بنیان فکری، دوری از تقلید و تبعیت کورکورانه و پرهیز از تعصب دوران جاهلیت، فراخواند. مبارزی که بر علیه استبداد و ستمگری قیام کرد و ضرورت پیکار با استعمارگران و عمال آنان در کشورهای اسلامی را یادآور شد. یک مصلح اجتماعی که در صدد بازسازی شخصیت مسلمانان به دور از ترس، ذلت و خفت برخاست. او در برهه حساسی می‌زیست، زمانه اشغال آشکار بیشتر کشورهای اسلامی از سوی استعمارگران، سید فراتر از مرزهای جغرافیای سیاسی، محدوده طائفه‌گری و حوزه‌های تعصب‌گرایانه می‌اندیشید. صدای رسای او در افغانستان، هند، عراق، ایران،

مصر، حجاز، فرانسه و بریتانیا، صرف‌نظر از استانبول - پایتخت خلافت اسلامی آن روزگار - شنیده می‌شد.

دومین سخنران مراسم افتتاحیه، دکتر ولید معانی، رئیس دانشگاه اردن بود. وی سیدجمال‌الدین را اندیشمندی که در تلاش کاشت نهال آگاهی و خردورزی در جوامع اسلامی است معرفی نمود. خیزنده‌ای پرتحرک، شورشگری مومن و مسلمانی آزاداندیش که نگاهی ژرف‌نگر به دین داشت. مردی ایمان آورنده به آزادی اندیشه و متفکر مسلمانی که در حد بالایی از اجتهاد و ابتکار قرارداداشت و در اصلاح شرایط آن روز جوامع اسلامی به مقدار توان خود با خلوص نیت از هیچ کوششی دریغ نوزید.

پس از آن پیام دکتر عبدالعزیز تویجری، دبیرکل سازمان اسلامی تربیت و علوم و فرهنگ - که اهل عربستان سعودی است - خوانده شد. وی در این پیام از کشور پادشاهی اردن هاشمی بخاطر بزرگداشت سیدجمال‌الدین در یکصدمین سال ارتحال وی سپاسگزاری کرد و به ضرورت بازاندیشی تفکر دینی در امتداد تبیین آراء رجال نامی چون: امام مسلم، امام غزالی، امام شافعی، طبری، سیوطی و ابن هیثم، پزشک سرشناس مسلمان که تاکنون از سوی سازمان اسلامی تربیت و علوم و فرهنگ گردهمایی‌هایی به همین مناسبت برگزار شده است اشاره نمود. اما در این میان جمال‌الدین را می‌توان رهبر جریان اصلاح‌طلبی معاصر به شمار آورد. او مصلحی دینی و متفکری سیاسی و اجتماعی است که شاگردان و دست‌پروردگانش در سده‌های نوزده و بیست میلادی منشاء دگرگونی‌هایی در جوامع خود شدند.

جمال‌الدین سرسلسله جنبان و رهبر نوع نوینی از اندیشه و فرهنگ اسلامی است که از پشتوانه ایدئولوژیک و تعقل سیاسی در رویارویی با توفانهای سهمگین فکری و سیاسی جهان غرب برخوردار است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

## جلسه اول

### نگرش تحلیلی و کاوش معرفت‌شناختی در صیوریت تاریخی سیدجمال

دکتر سیار جمیل، استاد تاریخ معاصر دانشگاه «آل‌البیت» اردن، نخستین سخنران جلسه نخست سمینار با عنوان «تصویر دیگر: نگرش تحلیلی و کاوشهای معرفت‌شناختی در صیوریت تاریخی افغانی» بود. وی در سخنرانی خود به چگونگی شکل‌گیری شخصیت سید جمال‌الدین به ویژه در گبرودار چالش جهان اسلام با مغرب زمین اشاره کرد. آن هم در زمانه‌ای که نسلی در حال تکوین بود که در صدد به دست آوردن مطالباتی مانند آزادی‌خواهی، قانونمداری و استقلال‌طلبی که مدت‌ها چشم‌انتظار آن بود بسر می‌برد. افزون بر این ضرورت رویکرد دوباره به تمدن درخشان اسلامی،

دانش رشد یافته آن و «امت واحده» هویدا شد. پیداست شهرت سید مرهون مواضع سیاسی اوست و لذا اطلاق القابی چون: پرچمدار مشرق زمین، مصلح شرق، فیلسوف بزرگ، و رهبر نهضت اسلامی، شایسته وی می‌باشد. سید، جامعه شناس برجسته‌ای نیز بود، در جای جای خطابه‌های او پرداخت به مشکلات اساسی و معضلات اجتماعی مردم به بهترین وجه ملاحظه می‌شود و جمال‌الدین با هوش عملیاتی سرشار خود بر محورهای حساس این مشکلات انگشت می‌گذاشت.

درباره ایرانی یا افغانی بودن جمال‌الدین پژوهشهای فراوانی صورت گرفته است که می‌توان از آن جمله به آثار زیر مراجعه کرد: عبدالکریم دجیلی، جمال‌الدین الافغانی، «الرساله» مجله، س ۱۱، ۱۹۴۶م، صص ۴۶۰-۴۶۱؛ همچنین مقاله دجیلی در (الری العام) روزنامه، بغداد، دسامبر ۱۹۴۴م؛ قدری قلعجی، جمال‌الدین الافغانی، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۵۲م؛ میرزا لطف‌الله خان، جمال‌الدین الاسدآبادی، ترجمه صادق نشأت و عبدالنعمین حسنین، قاهره، ۱۹۵۷م، صص ۱۱-۱۲ و ۲۶-۲۷؛ همچنین نیکی کدی در:

Sayyid Jamal ad-Din Al-Afghani, Apolitical Biogtaphy, Los Angeles, 1972, pp.10-13

همین‌طور: محمد صبیح، جمال‌الدین الافغانی، (الوعی الاسلامی) مجله، س ۳، ش ۲۵، محرم ۱۳۷۸ هـ، صص ۸۲-۸۵؛ علی الوردی، لمحات اجتماعیه فی تاریخ العراق الحدیث، ج ۳، صص ۶۵-۹۳؛ و اثر هماناطق که در فرانسه منتشر شده است با عنوان: Djamal ed-din Assad Abadi dit Afghani, 1969, pp. 23-47

و عثمان امین، جمال‌الدین الأفغانی، قاهره، دارالثقافة للنشر و التوزیع، ص ۱۲؛ محمود عبطه، جمال‌الدین الأفغانی، بغداد، دارالحریه للطباعه، ۱۹۷۷؛ محمدطاهر الجبلاوی، جمال‌الدین الأفغانی، حیات و آراؤه، قاهره، ۱۹۷۱.

گرچه به زعم برخی سیدجمال به واسطه آن که در آذربایجان زاده شده، ترک تبار است. به نوشته احمد آقاییف، سیدجمال از خانواده‌ای مراغه‌ای نزدیک همدان متولد شد. چندی بعد خانواده‌اش رهسپار افغانستان گردید. برخی نیز باوردارند که سیدجمال در هند متولد شده است و...

به هر حال از نکاتی که می‌توان درباره سیدجمال‌الدین برشمرد شیعی بودن اوست. حضور سید در عتبات عالیات بین النهرین و فراگیری فقه، اصول، و فلسفه در حوزه علمیه نجف و مدرسه همدانی دلیل این امر است. در سیادت جمال‌الدین و سلاله حسینی او نیز کمتر تردیدی وجود دارد.

دکتر جمیل در ادامه مقاله مفصل خود به علل عزیمت جمال‌الدین از عتبات مقدسه

به هند و ماجرای استقبال رسمی برخی مقامات دولتی انگلیس هنگام ورود او به این کشور اشاره می‌کند. در همین رابطه به تحلیل و تعلیل مناسبات سید با شاهزاده امیرعلی شیرنوبی در افغانستان اشاره می‌شود. حضور جمال‌الدین در مصر و سپس در استانبول نیز از نکات جالب توجه زندگی سید است. دیری نپائید که سید ناگزیر به مصر بازگشت و مدت هشت سال در آنجا اقامت گزید. در حلقه درس وی دانشمندی چون: شیخ محمد عبده، عبدالکریم سلمان، ابراهیم هلباوی، ابراهیم اللقانی، و سعد زغلول و... منطق، حکمت و فلسفه را تلمذ کردند. در آن برهه این آموزه‌ها جایگاهی در «الازهر» نداشت. اما نکته جالب توجه این است که سیدجمال در مدت اقامت هشت ساله خود در مصر هیچگاه حاضر به تدریس در الازهر نشد. حال آن که الازهر از پیشنهاد تدریس دانشمندان و فقها استقبال می‌کرد. موضوع مهم دیگری که سید بایش راگشود و در ترویج آن از هیچ کوششی دریغ نوزید «گفتمان» بود. جلسات گفت و شنود و پرسش و پاسخ و نقد مسائل سیاسی، اخلاقی، دینی و ادبی، به منظور روشنگری در کانونهای مختلف منعقد می‌شد. فرهیختگان و روشنفکران مصری مانند: محمود سامی بارودی، عبدالسلام مویلحی، محمد عبده، ابراهیم اللقانی، سعد زغلول، علی مظهر، سلیم نقاش، ادیب اسحق و... در این جلسات شرکت می‌جستند. نکته جالب آن که در این گفتمان‌های فرهنگی، مسلمانان، مسیحیان و یهودیان شرکت می‌جستند. گرایش مسلکی خاصی مانع عدم حضور فرد نمی‌شد. توجه داشته باشیم فرد روحانی چون سیدجمال‌الدین از دوستان نزدیک یعقوب صنوع، روزنامه‌نگار یهودی مصری بود و با ادیب اسحق و سلیم نقاش از نویسندگان و فرهنگیان مسیحی مصر نیز رفاقت داشت. در حوزه اندیشه سید جمال، امکان همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان آسمانی سه‌گانه سهل و ممکن است. چگونگی پیوستن جمال‌الدین به محفل ماسونی اسکاتلند و نقش او در تأسیس محفل ماسونی شرق با گرایش فرانسوی و عاقبت اخراج سید از محفل ماسونی از نکات غامض زندگی سید است که باید با درک همه جانبه رفتار سیاسی و اوضاع آن روزگار مورد بررسی دقیق واقع شود.

نگاه سیدجمال به اوضاع سیاسی و اجتماعی مصر نیز جالب توجه و نشانگر هوشیاری فوق‌العاده و نبوغ او است. سید با خطابه‌های مهیج، حقوق بناحق غصب شده مصریان را یادآور می‌شد و علل عقب‌ماندگی جوامع مشرق زمین را در تعصب و استبداد می‌دانست. نقش‌آفرینی او در جریان پیدایی روزنامه‌های نوین سیاسی چون «مصر»، «تجاره»، «ابونظاره» و مقاله‌های روشنگرانه و افشاگرانه‌ای که در آنها و دیگر مطبوعات می‌نگاشت، حائز بسی اهمیت است. دعوت جمال‌الدین به تأسیس «حزب ملی مصر» و تشویق مردم به پیوستن به آن و مشارکت در طرد استعمارگران و عمال آنان از مصر نیز از

کوششهای شایسته تحسین اوست که به طرد سید از مصر انجامید. جمال‌الدین هشت سال پس از زمانی که سواحل هند را ترک کرد، سوار بر کشتی به بمبئی بازگشت و از آنجا با قطار رهسپار شهر حیدرآباد، که در مرکز شبه قاره هند قرار دارد، شد. رساله معروف نیچریه یا ردیه بر مادگیری در همین برهه نگاشته شد. چندی بعد به علت رخدادهایی که در مصر روی داد، سید به اقامت اجباری هفت ماهه در کلکته گسیل شد. با پایان یافتن قیام اعرابی در مصر، زمامداران انگلیس چراغ سبز عزیمت سید به یکی از کشورهای مغرب زمین را دادند. وی ابتدا روانه لندن شد و پس از اقامت کوتاهی عازم پاریس گردید و در آنجا ایده تأسیس روزنامه‌ای به نام «عروة الوثقی» که به زبان عربی و در همه کشورهای اسلامی توزیع شود به ذهن وی خطور کرد. عروة الوثقی نه یک روزنامه ساده که یک جریان فکری قوی و در واقع نشریه‌ای تئوریک با مواضع عقیدتی، سیاسی، اجتماعی شفاف به شمار می‌آمد. از این رو شاهد تأسیس جمعیت مخفی عروة الوثقی در پاریس و قاهره و شعبه‌های دیگر هستیم که زیر نظر سید جمال و شیخ محمد عبده اداره می‌شد. جمعیت عروة الوثقی یک تشکل اصلاح طلب در ابعاد دینی، اجتماعی و سیاسی به شمار می‌آمد. بیشتر مخاطبان عروة الوثقی روشنفکران کشورهای عربی و اسلامی بودند.

از دیگر دستاوردهای اندیشه‌گری سید جمال، طرح تکوین «مجتمع اسلامی» بود که در آن مسلمانان با گرایشهای مسلکی و فرقه‌ای به فراگیری آموزه‌های عام دینی پردازند و طرح گفت و گو با یکدیگر را بنیان نهند و قرائت‌های مختلف خود از اسلام را به بحث و نقد و شنود بگذارند تا بستر مساعد مفاهمه و «وحدت اسلامی» فراهم آید. از این رو وی را می‌توان بگونه‌ای مبدع پروتستانتیزم در اسلام به شمار آورد. مناظره سید جمال‌الدین در مدت اقامت خود در پاریس با ارنست رنان و دیالوگ طرفین با یکدیگر در نوع خود کم نظیر است. تأمل در بازگشت سید به لندن و سپس حضورش در ایران و رویارویی جمال‌الدین با ناصرالدین (شاه) جالب توجه است و از آنجا پس از چهل سال بار دیگر به عراق باز می‌گردد. درباره اکراه برخی روحانیان سرشناس شیعه از دیدار با سید جمال در عتبات عالیات، باید توجه داشت براساس آنچه دکتر محمد مهدی بصیر یادآور شده است، حکومت ایران از سری پاشا، فرماندار بغداد خواست تا مانع ملاقات وی با علمای مقیم عتبات شود چرا که از منظر زمامداران ایرانی، سید جمال قصد تحریک آنان علیه ناصرالدین شاه را داشت. از این رو سید در شرایط حفاظتی و امنیتی خاصی در عراق به سر می‌برد. وی بنا به برخی گفته‌های تاریخی به گونه‌ای مخفی

به زیارت شهرهای مقدس رفت.\* موضوع فوق نشانگر آنست که ناصرالدین شاه حرکت و فعالیت‌های سیدجمال را در عراق کاملاً زیر نظر داشته است.

دیری نپائید که جمال‌الدین باردیگر رهسپار لندن شد و یک سال بعد به دعوت سلطان عبدالحمید دوم عازم استانبول، پایتخت عثمانی گردید. عبدالحمید به دلایل گوناگونی نیازمند حضور و همکاری سید با خود بود. نخست، نیاز سلطان به ایدنولوگ و تنوریسینی که موضوع وحدت اسلامی را با مرکزیت استانبول دنبال نماید؛ دیگر، نگرانی سلطان از موقعیت سیدجمال و نفوذ وی در جوامع اسلامی و عربی و ارتباطات گسترده او با روشنفکران و روزنامه‌نگاران و این که مبادا روزی سید از موقعیت خود علیه سلطان بهره برد؛ دیگر، استفاده ابزاری از سید در رویارویی با ناصرالدین شاه قاجار که پادشاه یگانه کشور شیعه جهان بود؛ دیگر، بهره‌وری از سید به عنوان میانجی میان علمای شیعه در عراق و ایران زیر لوای حاکمیت عثمانی بر محور وحدت اسلامی. از این رو بی‌مناسبت نیست که لدی‌الورود سیدجمال به استانبول استقبال کم‌نظیری از او به عمل می‌آید. همچنین به دستور سلطان، حقوق ماهیانه‌ای به مبلغ ۷۵ لیره برایش تعیین می‌شود و افزون براین خانه‌ای در یکی از بهترین مناطق شهر استانبول و درشکه‌ای با دو اسب همراه با چند خدمتکار، در اختیارش قرار می‌گیرد و...

رخداد ترور ناصرالدین شاه پس از پنجاه سال سلطنت موجب ترس و نگرانی سلطان عبدالحمید از نفوذ سیدجمال شد. قاتل شاه از مریدان سیدجمال و مدتها در استانبول نزد وی بود. به دستور سلطان عبدالحمید تمامی رفت و آمدهای سید مورد کنترل شدید مأموران عثمانی واقع شد. سید جمال در قفس گیر افتاده بود. سلطان نیز به لطایف الحیلی وی را به ماندن در بلاد عثمانی مجاب کرد. تجربه درگیری جمال‌الدین با ناصرالدین شاه برای او عبرت‌آموز بود. روابط سیدجمال و سلطان عبدالحمید نیز روز به روز رو به سردی می‌گرایید. یک سال پس از قتل ناصرالدین شاه، سیدجمال بر اثر ابتلاء به سرطان درگذشت.

### اندیشه جمال‌الدین

دومین سخنران جلسه اول سمینار دکتر محسن عبدالحمید، استاد تفسیر و پژوهش‌های اسلامی دانشگاه بغداد بود که موفق به حضور در سمینار نشد و نوشتار وی با عنوان «اندیشه افغانی» توسط استاد عبدالله طنطاوی به نیابت از او خوانده شد. به نوشته دکتر عبدالحمید، زندگانی سیدجمال‌الدین در تکاپو به منظور اعتلای دین اسلام،

\* عبدالحسن القصاب، *ذکری الافغانی فی العراق*، بغداد، ۱۹۴۵، صص ۸۵-۸۶.

اصلاح اوضاع مسلمانان و تلاش برای جبران عقب‌ماندگی اجتماعی و مبارزه با استبداد سیاسی و پیکار با استعمار خلاصه می‌شود. در این راه اتهامات خاصی به سیدجمال‌الدین نسبت داده‌اند. ابی‌الهدی صیادی از اطرافیان صوفی مسلک سلطان عبدالحمید دوم که از مخالفان سرسخت سیدجمال به شمار می‌آید، او را متهم به فساد عقیده و الحاد ساخته است. جالب آن که سلیم عنجوری، نویسنده مسیحی نیز سیدجمال را ملحد و شرابخوار دانسته است که البته با واکنش تند امام محمد عبده مواجه شد. یا حسن فهمی که سیدجمال را کافری که نبوت را ساخته و پرداخته بشر می‌داند، می‌پندارد! به‌زعم شیخ محمد عبده، اعتقادات الهی سیدجمال بر بنیان و منطق و حکمت عقلایی استوار است و از اوهام و خرافات رایج بی‌پیرایه بود. سید دعوت‌کننده ادیان الهی بر قاعده مشترک توحید بود و منادی تقریب مذاهب و وحدت اسلامی بر استوانه مشترک نبوت است. با اندک دقت و ژرف‌نگری در آراء و نظرات سیدجمال به رویارویی او با دیدگاه‌های مکتب اپیکو در یونان، مزدک در ایران، باطنی‌گری در اسلام، و مجموعه‌ای از اندیشمندانی چون ولتر، روسو، مونتسکیو، مادیرگرایان، کمونیسیم و سوسیالیسم (اشتراکی و اجتماعی) در اروپا و افکار مورمونها\* در آمریکا، پی می‌بریم. پرداخت و دغدغه فکری سیدجمال نسبت به نوع اندیشه و آراء مورمونها نشانگر هوشیاری اوست.

در ارزیابی فوق‌پی می‌بریم که سیدجمال نخستین کسی است که روش کلامی کهنه و سنتی را به نو تغییر داد. وی همچنین پیشگام حرکت بازگشت به خویش و حرمت کرامت انسانی است.

جمال‌الدین، متفکری جهان‌وطن بود. موضوع، ایرانی، افغانی و ترک تبار بودنش

\* مورمونها یا مورمانها، اعضای کلیسای عیسی مسیح وابسته به فرقه مقدسین روزجرا، یک جنبش مذهبی هزاره‌ای که در سال ۱۸۳۰م توسط جوزف اسمیت در شهر نیویورک بنا نهاده شد. آنان غیر از انجیل برای خود متن مقدسی دارند که به کتاب «مورمون» معروف است که به بیان تاریخ گروهی از یهودیان می‌پردازد که حدود سال ۶۰۰ق.م به آمریکا مهاجرت کردند. اسمیت مدعی بود که مطالب کتاب مورمون را از طریق وحی و الهام تدوین کرده است. همچنین در جریان وحی و الهام دیگری، وی مسئله چند همسری را بنا نهاد که سبب بروز اختلاف میان مورمونها با حکومت ایالات متحده شد، تا اینکه سرانجام رسماً در ۱۸۹۰م لغاگردید. پس از اسمیت، رهبری فرقه را بریگهام یانگ عهده‌دار شد که به سال ۱۸۴۷، مراکز رهبری فرقه را به شهر سانت لیک سیتی در ایالت یوتا منتقل کرد. مورمونها به ظهور مجدد مسیح عقیده دارند. در این فرقه روحانیت رسمی و یا حرفه روحانیت وجود ندارد. در تعالیم این فرقه بر کمک به خود یا خودیاری تأکید می‌شود و از جمله تکالیف اعضای فرقه، پرداخت عشریه (یک دهم مال) و فعالیتهای تبلیغی است.

Judy Pearsall Bill Trumble(eds), the Oxford English Reference Dictionary, New York

Oxford: Oxford University press, 1996, p940.



مهم نیست. این هم حکمتی است که شاید سید مایل بود همه مسلمانان او را از آن خود بدانند و به وی مباحثات ورزند. همچنانکه مایل نبود افراد از مذهبش باخبر شوند و تقیه را پیشه خود ساخته بود. وی عرضه‌کننده فرآورده فکری خود بدون گرایش متعصبانه مسلکی خاص به مردم بود.

### روش اصلاحگری سیدجمال

عنوان سومین سخنرانی، «روش اصلاحگری افغانی» بود که توسط دکتر احمد مفلح قضا، استاد مطالعات قرآنی دانشگاه ملی زرقاء، ایراد گردید. ایشان در سخنرانی خود به تلاش خستگی‌ناپذیر سیدجمال در ترویج فکر اصلاح‌طلبی و تأثیر آن بر جوامع اسلامی به ویژه مصر و چگونگی پیدایش جمعیت «عروة الوثقی» و روش جمال‌الدین در مقوله اصلاحگری را مورد بررسی قرار داد.

سیدجمال را می‌توان در زمره نوابع جهان اسلام دانست. مردی که از برجسب‌زنی به خود و مرگ هراس به خود راه نمی‌داد و به گفته «عنجوری» آیتی از آیات سده نوزدهم و معجزه‌ای در زمره معجزات آن به شمار می‌آید. وی در دوران تنگدستی و مشقت مسلمانان و حاکمیت استعمار بر بسیاری از آنها، زیست. سید، منادی علم، معرفت و فرهنگ، و پیکارگری خستگی‌ناپذیر به منظور رهایی انسان و دستیابی به آزادی، اراده و اختیار بود. سید از هوشیاری سیاسی بالایی برخوردار بود و از مظاهر دعوت به «کلمه توحید» و «توحید کلمه» بود. مهمترین سرعنوانهای برنامه اصلاحات او را می‌توان این‌گونه محوربندی کرد:

۱. توجه به دانش، اندیشه و فرهنگ و ترغیب مردم به دانش‌اندوزی، خردمندی و فرهنگ‌گرایی.
۲. اجتناب از تعصب مذهبی و دعوت به صلح و صفا و احترام به نظرات اجتهادی علمای گذشته.
۳. فراخوان متفکران مسلمان به بازگشایی باب اجتهاد.
۴. دعوت مسلمانان به وحدت و فشرده کردن صفوف بهم پیوسته‌شان.
۵. برافراشتن پرچم مبارزه با استعمار (به شکل عام) و انگلیس (به گونه خاص) و آشنا کردن مردم به تهدیدات و خطرات این شکل از استعمار و نسبت آن با عقب ماندگی‌شان.

اما راه کارهای سیدجمال به منظور رهایی به هدف‌های یاد شده، موارد مختلف را دربرمی‌گرفت و از آن جمله:

۱. بذل عنایت به مطبوعات و نشریات و تشویق دوستان و شاگردانش جهت نگارش

مقاله در آنها به منظور تنویر افکار عمومی.

۲. جدی گرفتن امر آموزش و فرادهی اندیشه اصلاحات از این طریق به مردم.
  ۳. گسترش فعالیتهای سیاسی اجتماعی از راه گروهها و دستجات علنی و مخفی.
  ۴. ترویج اصلاحات از طریق برقراری پیوند و ارتباطات با مراکز قدرت و تصمیم‌گیری.
  ۵. انجام سفرهای گوناگون که موجب انتقال و جابجایی اندیشه در گسترده‌ترین سطح می‌شد.
- سید به واقع سمبل یک آزادمرد واقعی بود و سعه صدر بالایی داشت. خودش می‌گوید: همنشین روحانیان هر مسلک، مقدسان هر جماعت، علمای هر گروه، دانشمندان هر طبقه، بزرگان هر کشور، و فلاسفه هر منطقه بودم.

این اظهارنظر نشانگر وسعت دید و آگاهیهای جامع اوست. وی در پاسخ به پرسش بسیاری از افراد درباره مذهبش صرفاً به این جمله اکتفا می‌کرد که «انامسلم» و مبادرت به تکرار آن می‌نمود. وی تقلید کورکورانه و جمود فکری را دو عامل درونی انحطاط مسلمانان به شمار می‌آورد و از این که دانش بسیاری از علمای مسلمان به خواندن چند کتاب در نحو، لغت، منطق، کلام و برخی مسائل فقهی خلاصه و محدود می‌شد ابراز تأسف می‌کرد. جمال‌الدین دغدغه اصلاح دینی داشت و راه‌حل را در عقلانیت و آزاداندیشی و پرهیز از تقلید و گشودن باب اجتهاد می‌دانست. وی معتقد به باز تفسیر و تأویل دینی بر مبنای ضرورت‌های عصر حاضر و مدنیت نوین با تکیه بر اجتهاد روشنگر بود. سید، دوری مسلمانان و حکومتگران برجوامع اسلامی از دین و بیگانگی آنها با نیازهای جوامع خود را در زمره علل عقب‌ماندگی آنان برمی‌شمرد. وحدت مسلمانان، هدف بزرگی بود که سید جمال به گونه آشکار و نهان پیگیری آن بود. وی اقتدار جهان اسلام را در اتحاد کشورهای مسلمان می‌دانست.

در سطور فوق در خصوص راه‌کارهای سید جمال‌الدین در دستیابی به هدفهای مقدس و متعالی که آن را تعقیب می‌کرد به صورت گذرا اشاره شد. اکنون توضیحات جامع‌تری درباره رئوس محورهای بیان شده ارائه می‌شود.

۱. درباره بذل عنایت به مطبوعات و نشریات و تشویق افراد به نگارش مقالات افشاگرانه و روشنگرانه در آنها، باید دانست که این قبیل رسانه‌های گروهی نقش بزرگی در اطلاع‌رسانی و خدمت‌رسانی فرهنگی و تأمین نیازهای فکری آنها و تنویر افکار عمومی عهده‌دار است. سید، مشوق شاگردان و دوستان خود به نوشتن مقاله در نشریات مختلف که دربرگیرنده دیدگاهها و نظراتشان بود، به شمار می‌آمد و از آنان می‌خواست

در نقد حکومت و حضور مخرب استعمارگران در کشورهای عربی و اسلامی و ترویج افکار اصلاح‌گرایانه و تجددمآبانه مقاله بنویسند. بیشترین فعالیت مطبوعاتی او در نشریات عروۃ‌الوثقی و ضیاء‌الخافقین بود.

۲. ترویج اصلاح‌گری با توسل به راهکارهای آموزشی در نظرگاه سید از اهمیت فراوانی برخوردار بود. خانه او در مصر کانون حضور دانشجویان تشنه حقایق اسلامی و معارف کلامی و فلسفی بود که با آمیزه‌ای سیاسی به آنان عرضه می‌شد. کلاسهای درس وی، وسیله‌ای برای ترویج افکار و پرورش کادرهای عقیدتی و سیاسی نهضت اصلاح‌گرایانه به شمار می‌آمد. استاد محمد عبده در توصیف اوضاع آن روز مصر به فرمانبرداری بی‌قید و شرط مردم از حاکمان دست نشانده اشاره دارد، در زمانه‌ای که نه نویسنده بیدارگر و نه خطیب پندآموزی داشت. وی در ادامه می‌افزاید که: در سال ۱۲۸۶ هـ. ق. با پیش‌روشن‌گرانه دینی، آگاه از سرگذشت ملل، سرشار از آگاهی‌ها به گونه دائرةالمعارف، شیردلی به نام سیدجمال‌الدین به دیدارمان آمد. سرگرم تدریس برخی علوم نظری و عقلی شد، در پی آن ضمیرهای خفته بیدار گشت، حجابهای غفلت دریده گشت و ذهن‌های راکد به کار افتاد.

۳. سید، به گسترش فعالیتهای سیاسی اجتماعی از طریق کار گروهی و تشکیلاتی معتقد بود. یکی از این تشکلهای «جمعیت عروۃ‌الوثقی» بود که سید با همکاری محمد عبده و جمعی دیگر از چهره‌های مسلمان و خوش‌فکر بنیان آن را نهاد. این گروه دارای شاخه‌هایی در شمال آفریقا، مصر، هند و غیره بود. افزون بر این، شک نیست که جمال‌الدین به محفل فراماسونی ملحق شد. سید از ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۹ م در مصر اقامت داشت و طی سه سال آخر این مدت به نوشتن، سخنرانی کردن و فعالیت ماسونی سرگرم بود. پیوستن وی به این محفل به مثابه ابزاری بود تا پیوندهایش با مردم تقویت شود. برخی پژوهندگان بر آن شدند تا ورود سیدجمال به تشکیلات فراماسونری را نشانگر عدم اعتقادش به اسلام معرفی نمایند. از جمله این افراد می‌توان دکتر محمد محمدحسین نویسنده کتاب «اسلام و تمدن غرب» را نام برد که به سید تهمت الحاد زده است. تردیدی وجود ندارد که سیدجمال از کثرت و یا پشت پرده تشکیلات فراماسونری نه تنها بی‌اطلاع بود بلکه مجذوب شعارهای ظاهری این تشکیلات اجتماعی علنی که آن هنگام از پنهانکاری دوری می‌گزید و شعارهایش همانا آزادی، برادری و مساوات بود، شد. شناخت امروز ما از فراماسونری با آگاهی‌هایی آن دوره کاملاً متفاوت است.

۴. و اما در مبحث ترویج افکار اصلاح‌گرایانه از راه برقراری ارتباط با مراکز قدرت و تصمیم‌گیری، یادآوری این نکته ضروری است که سید در حالی که بیش از بیست بهار از عمرش نمی‌گذشت به منصب وزارت در افغانستان رسید. وی با اندیشمندان نحلّه‌های

گونگون فکری حشرونشر داشت. در مجلس سخنرانی‌اش صرفنظر از مردم مشتاق، شماری از دولتمردان و کارگزاران حکومت نیز حضور می‌یافتند. خطابه او در دارالقنون ترکیه شهره عام و خاص است. در این گردهمایی در کنار قشرهای مختلف مردم، دانشمندان، ارباب مطبوعات، جمعی از وزیران و مقامات دولتی حضور داشتند. نزدیکی سید به رجال حاکمیت به خاطر تسریع در پیشبرد منظوره‌های فکری، سیاسی و اجتماعی و نهایتاً اصلاح امور مردم بود. سید با سلطان عبدالحمید روابط نزدیک و نیکویی داشت. او را می‌توان یکی از زنده‌ترین کارشناسان امور سیاسی به شمار آورد. وی به روشنی دریافت مصلحت استعمار در اختلاف افکنی میان مسلمانان است. گرچه شرایط مسلمانان نیز اسفناک است به این دلیل که:

نخست؛ جهل و نادانی و اطاعت کورکورانه بر بسیاری عالمان دین سایه افکنده است.

دوم؛ بسیاری از زمامداران مسلمان فاسد و ستمگرند و با قوانین من درآوردی بر مردم حکومت می‌کنند.

سوم؛ مردم در مسائل سیاسی و دینی درمانده و عاجزند و نسبت به اوضاع کشور و سرنوشت خویش در بیخبری و بی‌تفاوتی بسر می‌برند.

۵. و اما درخصوص سفرهای سید و تأثیرگذاری آن در حرکت اصلاح‌گرایانه‌اش باید دانست که بیداری و آگاهی مردم غایت نهایی او بشمار می‌آمد. در جریان چنین سفرهایی بود که جمال‌الدین تشنگی مخاطبان خود را با اندیشه فرهنگ‌پرور، دانش وسیع و فلسفه سیاسی اسلام، سیراب ساخت. از این‌رو می‌توان ادعا کرد که فکر سیدجمال مبدل به «جریان» شد.

سید جمال راهکار اصولی در رویارویی با تمدن غرب را در: یکم، بسترسازی نیرومند فکری و فرهنگی، بازگشت به اسلام، پاکسازی روحی جامعه و پرهیز از ناامیدی عمومی می‌دانست. و دوم، بهره‌وری از دانش و فن‌آوری ممالک پیشرفته و آنچه مورد نیاز جامعه اسلامی است. سید ضمن دعوت مسلمانان به استفاده از دانش و تجربه‌های پیشرفته غرب در بخش‌های صنعتی، کشاورزی و... آنان را از الگوبرداری در رفتار و معیشت اجتماعی مغرب زمینیان بر حذر می‌داشت.

### جامعه اسلامی و روش اصلاحی جمال‌الدین

خالد فهداوی، محقق عراقی چهارمین سخنران سمینار با عنوان «جامعه اسلامی و روش اصلاحی جمال‌الدین» بود. ایشان نخست به تبیین دو مفهوم تغییر و اصلاح به استناد آیات و روایات پرداخت و آن را دینامیزم نهضت انبیاء و اولیاء برشمرد که مردم نیز

در عمل بدان فراخوانده شده‌اند و اصولاً غایت ارسال رسل و انزال کتب همانا اصلاح و دگرگونی اوضاع فرد و جامعه در جامع‌ترین وجه آن است. و جمال‌الدین از جمله رجال نادر جهان اسلام به شمار می‌آید که عمیقاً کار ویژه خود را بر بنیان این گونه تحول بنا نهاده بود. وی به راستی بیدارگر مشرق زمین و منادی آزادی و راهبر اصلاحگری بود. او نسخه درمان بیماری جامعه شناختی مسلمانان را در وحدت کلمه، پرهیز از اختلاف و تفرقه، ارتقاء سطح فرهنگی و تمسک به شریعت اسلامی ناب و خالص و تصفیه شده از خرافات و اوهام می‌دانست. از منظری اگر بخواهیم امهات و راهبردهای اندیشه اصلاحی سید را برشمریم می‌توان به بنیانهای زیر اشاره کرد:

۱. دعوت برای بازگشت به قرآن.
۲. اجتناب از تعصبات مذهبی و طائفه‌گری دینی و انکار نکردن قرائت‌های گوناگون شریعت محمدیه که با منطق و استدلال همراه است. سید جمال عمیقاً از بسیاری اختلافات موجود میان شیعه و سنی آزرده خاطر بود و منشأ آن را در طمع‌ورزی حاکمان و نادانی مردم می‌جست. و این که انسداد باب اجتهاد به تحجر دینی می‌انجامد و رازگشایی شریعت را در اجتهادش ذکر می‌کرد.
۳. کزدیسگی فهم برخی باورهای دینی مانند قضا و قدر که با توسل بدان درک غلطی از تحرک، دگرگونی و اصلاح به دست آمد و به حفظ وضع موجود پرداختند.
۴. برگرفتن ویژگیهای سازنده و مثبت تمدن غرب و بهره‌وری از پیشرفتهای آن و پرهیز از آنچه با اصول و فرهنگ و سنن اسلامی ناسازگار است.
۵. مقاومت در برابر استبداد سالاری و مبارزه با تصمیم‌گیری فردی و همچنین بیکار با استعمار که صرفاً با دعوت به وحدت و یکپارچه‌سازی صفوف همکیشان میسر است. سید در گفتاری کوتاه اظهار می‌دارد: به ریسمان دینی و پیوندهای عقیدتی چنگ زیند که مستحکمترین پیوندهاست و در آن می‌توان ترکان، اعراب، فارسیان، هندیان، مصریان و مغربیان را گردآورد یکدیگر فراخواند و بی‌شک این رابطه مثمرتر است.
۶. پی‌ریزی جامعه مدنی با اتکا به اصول اسلامی و سازگاری جامعه دینی با مقوله‌هایی چون پیشرفت‌های علمی، چرا که به‌زعم نادرست برخی مستشرقین و در زمره آنان ارنست رنان فرانسوی، اسلام با علم منافات دارد و عامل عقب‌ماندگی مسلمانان بی‌اعتنایی آنها به دانش است!

افغانی به منظور تحقق ایده‌های خود از نوشتن و تدریس و سخنرانی و گفت‌وگو و کمک در شکل‌گیری کانون‌های گوناگون دریغ نورزید. وی به منظور دستیابی به این آرمانهای مقدس به بیدارسازی، آگاهی بخشی، تقویت حمیت دینی و قیام و انقلاب به مثابه سریعترین وسیله رهایی ملل اسلامی و بیکار با فساد و جمود فکری و فرهنگی،

توصیه می‌نمود. از مواردی که شگفتی سیدجمال را موجب شد رقابت مغرب زمینیان در دانش، ابتکار و فن‌آوری بود. از این‌رو مسلمانان را به استفاده از همه وسایل و ابزارهای مشروع که در ساخت یک ملت نیرومند و با عزت ضروری است دعوت می‌کرد و این همان موضوع محوری بود که سید با پشتیبانی سلطان عبدالحمید مایل به پیشبرد آن بود و در این راه برخی عناصر یهودی که خطر را احساس کرده بودند در برهم زدن ارتباط سید با سلطان عثمانی به تکاپو افتادند.

آشنایی جمال‌الدین به زبانهای انگلیسی و فرانسه، همچنین شناخت دانش روز اروپائیان که در هند کسب کرده بود، مزیتی برای وی به شمار می‌آمد. به زعم سید پیروان ادیان بزرگ موسوی، عیسوی و محمدی به سهولت امکان همزیستی مسالمت آمیز با یکدیگر را داشتند. سمت و سوی کتابهای آسمانی تورات، انجیل و قرآن نیز یکی است. با نینگاهی به آراء سید در می‌یابیم که از دید وی مشکلات جهان اسلام در آن برهه از این قرار است:

۱. دوری مسلمانان از حقایق قرآنی و سنن نبوی و عدم آگاهی آنان از احکام دین. به عنوان نمونه، آنان از قضا و قدر برداشتی کج فهمانه را اختیار کردند که تسلیم، زمینگیر شدن و تن به جبر محض دادن، تبعات آن بود.
۲. از دیدگاه سیدجمال، مسلمانان دریند فهم غلط خود از تعالیم اسلامی شده‌اند و ضرورت بازنگری و تجدیدنظر در این فهم کاملاً احساس می‌شود. وی در پاسخ به پرسش شیخ عبدالقادر، یکی از شاگردانش به گونه‌ای شفاف به این پاکسازی اشاره دارد.
۳. فرقه‌گرایی کمر مسلمانان را شکست. همین امر باعث فساد و عقب‌ماندگی آنان، و زمینه دسیسه چینی استعمارگران را موجب شد.
۴. عدم ابراز واکنش مناسب در برابر تهاجم عقیدتی، سیاسی، اقتصادی، تمدنی استعمار از سوی کشورهای اسلامی تا اندک اندک زمینه سلطه آنان پدیدار شد. سید از این کنش انفعالی مسلمانان به عنوان بیماری دردناک یاد می‌کند.
۵. جمال‌الدین با بررسی اجمالی عقب‌ماندگی شدید مسلمانان از دنیای غرب، آنان را به بهره‌وری از پیشرفتهای مثبت و سازنده تمدن و فرهنگ غرب فراخواند.
۶. از منظر افغانی، حکومت‌های استبدادی از مهمترین عوامل عقب‌ماندگی سیاسی، اجتماعی کشورهای اسلامی است، چرا که یک نفر به خود اجازه می‌دهد براساس صلاحدید شخصی بدون توجه به رأی و نظر مردم برآنان حکمرانی نماید.
۷. سید با ارزیابی تاریخی گذشته دریافت که استعمار دشمن کینه‌توز مسلمانان است. استعمارگران خواهان مسخ شخصیت مسلمانان و تجزیه کشورشان هستند و این امر ضرورت هوشیاری جدی را موجب است.

## میزگرد جلسه اول:

در بحث و گفت‌وگوی جلسه نخست ابتدا زکی میلاد درباره ظرفیت گسترده ایدئولوژیک سید توضیحاتی را ارائه داد. سپس محمود رشدان به طرح این پرسش مبادرت کرد که طرح جمال‌الدین برای مبارزه با استبداد و رویارویی با استعمار «انقلاب» است یا «اصلاح»؟ دکتر راشد شهوان با اشاره به نسبت‌های ناروایی که به افغانی داده شده است، ملاک اظهارنظر درباره سید را آثار مکتوب، و نوشته‌ها و سخنرانیهای وی دانست، نه اتهامات بی‌پایه و اساسی که برخی مورخان در چهاردیواری خانه خود و در تاریکی مبادرت به طرح آن کردند. دکتر احمد شوابکه در ادامه بحث به موضوع ورود سید به محفل ماسونی اشاره کرد و اظهار داشت اندیشه فراماسونری بسیار خطرناک است. فراموش نکنیم این جریان مسئول مستقیم فروپاشی آخرین خلافت اسلامی - امپراتوری عثمانی - است که موجب برآمدن مصطفی کمال آتاتورک شد. صادق عبادی نیز در اظهارنظری اعلام کرد مدرک قوی و مستندی مبنی بر تشیع و ایرانی بودن سیدجمال در دست نیست. دکتر مصطفی منجود به زوایای ناشناخته زندگی فکری و سیاسی سید و از جمله راهیابی وی به محفل ماسونها، مذهب او، و سازگارش با حاکمان سیاسی اشاره کرد. دکتر زیاد دغامین در تشریح اندیشه سیاسی سیدجمال اظهار داشت که او خود را برتر از سلاطین می‌پنداشت. سید به جریان اصلاح طلبی از رهگذر خطرناکترین مدخل آن که همانا سیاست است وارد شد و به هر روی به منظور اعلام نظر درباره سید، باید اوضاع سیاسی، شرایط فکری و موقعیت اجتماعی جوامع اسلامی در روزگاری که او می‌زیست را درک کرد.

دکتر سیارجمیل ضمن برشمردن خدمات گرانهای جمال‌الدین به جوامع اسلامی در پایانه سده نوزدهم، گفت این مرد روحانی از سعه صدر بالایی برخوردار بود و آغوشش به روی همه خوبیها باز بود. به عنوان یک مورخ با فروتنی باید اعلام کنم که همه آنچه را در منابع تاریخی می‌خوانم، باور ندارم. به عنوان نمونه، چرا و به چه علت افغانی آن خطبه مشهور در اسکندریه را ایراد کرد. هنگامی که جوانان این شهر را مخاطب قرار می‌داد، سخنانش را بدون بسم‌الله آغاز می‌کرد و درخلال گفته‌های خود از هیچ آیه قرآنی استفاده نمی‌کرد. بهر روی توجه داشته باشیم که نفس جریان آگاهی‌دهنده و بیدارگر تاریخی مقدس است اما شخصیتها و سوژه‌های تاریخی خیر. و این امر برای یک محقق از درجه بالای اهمیت برخوردار می‌باشد. سپس عبدالله طنطاوی در فرازی از سخنان خود گفت بی‌تردید فراماسونری یک جریان خطرناکی است که موجب اضمحلال خلافت اسلامی (امپراتوری عثمانی) و دور کردن ترکها از اسلام و مسلمانان شد. در دوره زمامداری سلطان عبدالحمید، محفلهای ماسونی در جای جای عثمانی

دایر بود. به باور اینجانب اگر سلطان از فراماسونری و ماهیت یهودی آن و اصول ویرانگر و پیامدهای وحشتناک آن آگاه بود رخصت چنین فعالیتها و زاد و ولد را به این جریان به منظور رشد و نمو نمی‌داد که در انتهای خط به سقوط سلطان و برآمدن جمعیت ترکهای جوان و اتحاد و ترقی و آتاتورکیسم و پیدایی ترکیه لائیک انجامید. دکتر احمد قضاة تأکید کرد در زمره دشمنان سید، علمای مسلمانی بودند که بسیاری از آنان نسبت به نگرش مذهبی و رفتار سیاسی وی مردد بودند. خالد فهداوی نیز در نگاهی به گذشته، برخی اظهارنظرها در مورد سیدجمال را به سان تکلیف مالایطاق پنداشت.

حال آن که خداوند بیش از ظرفیت افراد تکلیفی برایشان متصور نیست. سیدجمال باتمام وجود به این اصول که همانا گفت‌وگوی اندیشه‌ها، بالندگی و تکامل جریان آگاه‌دهنده، ضرورت وحدت، پرهیز از اختلافات مسلکی، پیشبرد امور مسلمانان با توسل به شور و مشورت، باورمند بود.

### جلسه دوم:

#### روش افغانی در تعامل با تمدن اسلامی

دومین نشست سمینار با سخنان ابراهیم عجلونی، محقق «مجمع سلطنتی پژوهشهای تمدن اسلامی» اردن با عنوان «روش افغانی در تعامل با تمدن اسلامی» آغاز شد. به زعم این پژوهشگر شکی درباره افغانی بودن و سنی بودن سیدجمال نیست و اما ورود سید به محفل ماسونی به سال ۱۲۹۲/هـ ۱۸۷۸م بازمی‌گردد. در آن هنگام فعالیت جمعیت‌های ماسونی علنی بود، حتی در شهر استانبول و در حاکمیت سلطان عبدالحمید دوم و تا پیش از سال ۱۸۸۶م سلطان از خطری که از سوی این جریان وی را تهدید می‌کرد مطلع نبود، حال آن که به اذعان قریب به اتفاق همه مورخان، عبدالحمید پادشاهی هوشمند و مدبر بود و کانالهای اطلاعاتی او وی را به خوبی تغذیه می‌کردند. تردیدی در این وجود ندارد که اگر آنچه را امروزه درباره این جریان می‌دانیم در آن برهه سلطان عبدالحمید از آن باخبر بود سرنوشت تاریخ به گونه دیگر رقم می‌خورد و او تا سرحد مرگ با آنان به مبارزه برمی‌خاست. بد نیست بدانیم در همان سالی که سیدجمال در ۱۸۹۷م روی در نقاب خاک کشید، نخستین کنگره صهیونیسم بین‌الملل به رهبری هرتزل منعقد گردید. گردانندگان در این کنگره بر ادامه کار سیاسی - فکری از راه جمعیت‌های فراماسونری تأکید کردند. متأسفانه سید در شرایطی بدرود حیات گفت که اطلاعی از شبکه جهانی یهود نداشت و اسنادی که درباره فراماسونری و حقایق پشت‌پرده آن و نقش صهیونیسم در توسعه و پیشبرد شبکه‌های تشکیلاتی این جریان منتشر شد، پس از تشکیل نخستین



کنگره یادشده است. توجه داشته باشیم که سید تنها فردی نبود که به محفل ماسونی راه یافت و از آن خارج شد بلکه عده‌ای از رجال برجسته در اقصی نقاط جهان اسلام به تصور این که این یک جمعیت خدمات رسانی اجتماعی است و قصد فقرزدایی و کمک به محرومان و فقرا دارد، بدان راه یافتند. نیت این راه‌یافتگان بر بنیان خیرونیک و توسعه اخلاق حسنه بود.

### روش سیدجمال در تعامل با دیگران

سعید شیار، استاد بخش مطالعات اسلامی در بنی ملاک کشور مغرب دومین سخنران دومین جلسه سمینار با عنوان «روش سیدجمال در تعامل با دیگران» بود. از منظر جمال‌الدین انحراف جوامع اسلامی مرهون چهار عامل زیر است:

۱. دوری از دین (احکام، اصول، اخلاق و...) پیدایش بدعت‌ها و گمراهیها و بروز نادانی و خرافات.

۲. ازهم گسیختگی وحدت عقیدتی جامعه اسلامی و زایش فرقه‌ها و مسلک‌هایی که به جدال نظری و صوری با یکدیگر به ویژه در فروع پرداختند و از نیازهای روز جوامع اسلامی غفلت ورزیدند.

۳. ظهور و اشاعه فساد در دستگاه حکومتی. مقدم داشتن نظرات فردی بر مصالح اجتماعی. بروز مجدد تعصبات جاهلی آن هم پس از این که اسلام آنها را زایل ساخت.

۴. نفوذ خارجی بیگانگان چه در پوشش استعمار کهنه و یا نو که موجب نابودی و استثمار منابع و عقب‌ماندگی اقتصادی شد. افزون بر آن تهاجم فکری که در بعد دیگر ضربه‌های سهمگین تری را بر پیکر جوامع اسلامی وارد ساخت. یکی از ویژگیهای سید، نحوه رویارویی او با محاسن تمدن غرب بود. وی به فراگیری دو زبان انگلیسی و فرانسه همت گماشت. درسهای سودمندی از دانش‌های روز اروپا را نیز در هند فراگرفت. رویارویی او با محاسن تمدن غرب، منصفانه و واقع‌بینانه بود. وی نه علیه ملل اروپایی بلکه ضد دولت‌های استعمارگر اروپا موضع گرفت. جمال‌الدین، بزرگمردی که همواره در حرکت و شدن دیگری بود و لختی سکون نداشت. وی در پیکار سیاسی با استعمار غرب به قرآن و سنت متکی بود و در جهان اسلام منادی وحدت بود.

### فلسفه تربیتی سیدجمال الدین

فلسفه تربیتی از دیدگاه سیدجمال‌الدین افغانی، عنوان سومین سخنرانی جلسه دوم سمینار بود که توسط دکتر ناصر خوالده، استاد دانشکده تربیت دانشگاه اردن ایراد شد. به گفته سخنران، پربرترین دوره حیات سید، زمان حضور او در مصر است. از قضا به

منظور شناخت سید، ناگزیر باید این برهه را به دقت در تراز سنجش قرار دهیم. از خصوصیات برجسته افغانی، انبساط (گشایش) فکری اوست. فلسفه تربیتی از نظرگاه سیدجمال را می‌توان از شعاری که سرلوحه روزنامه وی را زینت بخشیده بود و همانا «بیداری ملل اسلامی و دفاع از حقوق مردم مشرق زمین و دعوت آنان به مقاومت در برابر استعمار اروپایی و جهاد در راه آزادی و استقلال» بود، جست‌وجو کرد. وی بی‌تردید از پیشگامان اصلاحات در تاریخ معاصر منطقه به شمار می‌آید.

تأکید او بر اصلاحگری دینی، مقاومت در برابر استعمار و استبداد و تمسک به خردورزی بود. او علمای دین را به دو دسته: آگاه و روشنگر، و متحجر و منصلب تقسیم می‌کرد. از منظر سید نه تنها مرزی میان دین و سیاست وجود ندارد بلکه سیاست صحنه جامه عمل پوشاندن به فکر و اندیشه است. از این رو تلاشهای گسترده‌ای را به منظور جمع میان طرح‌های فکری و عمل بدان آغاز کرد. سید در نوشته‌های خود هم از ملیت و هم از اسلام دفاع می‌کرد. او از محدود علمایی است که مطبوعات را به مثابه راهبرد اصلاحگری دینی، ملی، سیاسی، اجتماعی مردم مورد توجه قرار داد و بارها صراحتاً به حرفه شریف مطبوعاتی خود مباحثات کرد. مهمترین مواردی که در فلسفه تربیتی افغانی مورد توجه واقع شده است عبارتست از: تربیت دینی، آموزش ملی و تربیت میهنی، تربیت مردمی، تربیت اخلاقی، و تربیت اسلامی روحیه شور و جنبش.

سید، تربیت دینی را براساس فهم صحیح آئین اسلام می‌داند. اسلامی که حکمت‌مند است و سعادت بشر و رشد علمی و آراستگی به فضایل مستحسن را آرزو دارد. این امر میسر نیست مگر آن که شرط‌های چهارگانه زیر تحقق یابد که همانا عبارتست از: تصفیه از خرافات، حاکمیت فضایل اخلاقی در نفس انسانی، خردورزی و اقامه دلایل عقیدتی و پرهیز از تقلید کورکورانه، و بالاخره توجه به اهمیت جریان آموزش مداوم و پویا که به پاکسازی باورها منتهی می‌شود. از دیدگاه سیدجمال، اصلاح دینی نیز دایر بر این مقوله‌هاست. وی نه تنها قائل به جدایی دین از سیاست نبود، بلکه معتقد به برپایی حکومت دینی هم بود و حکومت و سیاست را ابزار تحقق اصول اسلامی می‌دانست. از دید سیدجمال، اصلاح حکومت از رهگذر اصلاح مردم ممکن می‌شود. با رشد و توسعه فرهنگی جامعه امکان حاکمیت استبداد به شدت کاهش می‌یابد. جالب است مخاطبان کلام سید، طیف گسترده‌ای هستند شامل کشاورزان، پیشه‌وران، بازرگانان، علمای دین، کارگزاران حکومت و... که با صراحت لهجه وی مواجه‌اند.

### روشهای سیدجمال در تفسیر قرآن

چهارمین سخنران این جلسه دکتر زیادالدغامین، استاد دانشگاه آل‌البیت اردن بود که

موضوع بحث وی به نشانه‌های نوگرایی در اندیشه سیدجمال‌الدین درباره قرآن کریم و تأثیر روش تفسیر وی در دوره جدید، اختصاص داشت. به زعم این سخنران، سید از قرآن قرآنی کاملاً ایدئولوژیک داشت و در آن برنامه جامع زندگی را می‌دید. وی در تفسیر قرآن ابعاد گوناگونی را در نظر می‌گرفت و معتقد بود می‌بایست با زبان روز مفاهیم آن را برای مردم بیان کرد و در آن صورت شاهد پیوستن گروههایی از آحاد مردم به اسلام خواهیم بود. آیات قرآن دارای معانی منحصر به فرد نیست و گذشت زمان مفاهیم نوینی از آن را بروز می‌دهد. علمای دین نیز مسئولیت بزرگ انتقال مفاهیم قرآنی به مردم را عهده دارند. آنان دیدگان بیدار و شب زنده دار کشور و ملتند، حامیان دین، پیشگامان مومنین و حزب خدا در اقصی نقاط جهان به شمار می‌آیند.

سید، کتاب آسمانی قرآن را آکنده از سنتهای الهی می‌دانست و عمل جدی مسلمانان به مفاهیم قرآنی را راه رستگاری، پیشرفت و موفقیت آنان به شمار می‌آورد. از نگاه وی علل انحطاط و عقب ماندگی جوامع اسلامی دوری آنان از قرآن است. او تدبیر و فهم قرآن را مهمتر از خواندنش می‌داند. به زعم سید، عربی که زبان قرآن است می‌تواند عامل وحدت مسلمانان جهان به شمار آید. قرآن دواي همه دردهای مسلمانان است. به رغم آن که سید جمال از خود اثری در تفسیر قرآن کریم به یادگار نگذاشت که بتوان سبک و روش تفسیری او را مورد بررسی قرارداد اما از اشارات و ارجاعات وی در خطابه‌ها و نوشته‌هایش می‌توان به چگونگی درک او از قرآن پی برد. سید در شمار کسانی است که روح جنبش اسلامی را براساس رهنمودهای قرآنی در میان مردم برانگیخت.

### میزگرد جلسه دوم

در این میزگرد ابتدا دکتر عبدالجبار اظهار داشت که میان برخی ایده‌ها و اندیشه‌های سیدجمال و دکتر محمد ارکون، اسلام‌شناس الجزایری تبار فرانسوی مشابهت‌هایی ملاحظه می‌شود. سید، موجود مقدسی نیست که مبرا از لغزش باشد و مانند همه انسانها خطاهایی را نیز مرتکب شده است اما در مجموع درباره او آنچنان که بوده قضاوت می‌شود. سپس دکتر ماجد جلال از جمال‌الدین به عنوان مرد اصلاحگری سیاسی یاد کرد. وی مسلمانان را به برپایی انقلاب سیاسی بر بنیان اسلامی به منظور رهایی از استعمار بیگانه و ستم سیاسی دعوت کرد. وی گزینه اصلاح ملت از راه اصلاح حاکمان را نزدیکتر به فرآیند اصلاحات می‌دانست. انگیزه نزدیکی جمال‌الدین به سلاطین و کارگزاران ارشد حکومتی همین بود. در ادامه این میزگرد دکتر احمد شابسوغ با اشاره به این نکته که اهتمام افغانی به خطابه بیشتر از تألیف و نوشتن بود، این امر را تا حدودی متأثر از سفرهای متعدد وی دانست.

## جلسه سوم

### سیدجمال الدین و طرح جامعه اسلامی

نخستین سخنران نشست سوم دکتر احمد شوابکه، استاد دانشکدهٔ مجتمع اسلامی بود که اظهار داشت سیدجمال در زمینه طرح تکوین جامعه اسلامی بیشتر به جنبه سیاسی آن توجه داشت و هدفش تجدید حداقل همبستگی در میان مسلمانان به منظور استرداد مناطقی که از دست داده‌اند بود، لیک وی در این دعوت برنامه‌ای همه‌جانبه که در برگیرنده مراحل مشخص و هدفهای تعیین شده‌ای باشد، ارائه نکرد. آنچه که سید بر روی آن همواره تأکید داشت بازگشت به اسلام بود. یعنی تمسک عملی به قرآن و احادیث صحیح سنت و شریعت است و جمال الدین از این حیث پرچمدار این حرکت به شمار می‌آید. وی از رهگذر سفرهای گوناگون و ارتباطات گسترده‌ای که با افراد و گروهها در کشورهای مختلف برقرار می‌کرد به پختگی خاصی دست یافته بود. در خلال این سفرهایی به دوری مسلمانان و حاکمان جوامع اسلامی از اسلام برد. او ضمن نقد سیاسی حاکمیت‌های اسلامی، منافاتی در مبارزه با ساختار سیاسی و مذاکره با کارگزاران نمی‌دید. تلاش سید در راه‌اندازی روزنامه «عروة الوثقی» و همچنین جمعیتی به همین نام با همکاری شیخ محمد عبده، شایسته تحسین است. با گذشت زمان کوتاهی شعبه‌هایی از این تشکل در شمال آفریقا، مصر و هند دایر شد. صرف نظر از این، علت اساسی رویکرد سید به فراماسونری، شعار آزادی، برادری و مساوات آنان بود. همچنین او در بنیانگذاری «حزب ملی» نقش چشمگیری داشت. سید، درخصوص دولتهای اروپایی دیدگاههای متفاوتی داشت. انگلستان را کشوری استعمارگر می‌دانست که طمع سیری‌ناپذیری نسبت به ملل و جوامع اسلامی دارد. اما در مورد فرانسه، به رغم آن که این کشور در زمره نخستین کشورهایایی بود که بربخش‌های وسیعی از سرزمین‌های اسلامی، به ویژه در شمال آفریقا، سیطره داشت اما اظهارنظری از سوی سیدجمال در این مورد ملاحظه نشده است. اما موضعگیری وی درخصوص طرحهای توسعه‌طلبانه امپراتوری روسیه به ویژه در شبه جزیره هند قابل تأمل است. او منافع استراتژیک را برای آنان در این مناطق حساس قائل است اما از در نصیحت پیشنهاد همکاری با ایران و افغان را جهت اتخاذ راهکارهای ورود به هند را به آنان می‌دهد.

### جمال الدین و تحول اندیشه اسلامی

دومین سخنران جلسه دوم، زکی میلاد، سردبیر مجله «الکلمه» که در عربستان سعودی منتشر می‌شود، بود. به گفته این پژوهشگر، سیدجمال برجسته‌ترین چهره در

امر تقریب دو مذهب سنی و شیعه و نزدیکی فرهنگی و همسانی وحدت رویه آنان به شمار می‌آید. سید نقش انکارناپذیری در بروز تحول فکر اسلامی نوین عهده‌دار است. نکاپوی او در پیوند میان اسلام با آزادی و عدالت، جاودانه تاریخ جوامع اسلامی باقی خواهد ماند. مالک بن نبی، اندیشمند سرشناس عرب به درستی سید را «ضمیر جهان اسلام» لقب می‌دهد.<sup>۳</sup> سفرهای متعدد جمال‌الدین به کشورهای اسلامی و همچنین حضورش در برخی کشورهای اروپایی چون فرانسه، انگلیس، آلمان و روسیه موجبات آشنایی وی با فرهنگ و تمدن غرب شد و همین آگاهیهای عمیق و گسترده باعث برجستگی او به عنوان یک عالم دینی ممتاز شد. سید، در همه‌جا مبلغ مشکل‌گشایی تفکر دینی در رویارویی با بحرانهای جوامع آن روز جهان بود. وی راه وحدت اسلامی را در گفت‌وگوی به دور از تعصب مذاهب اسلامی می‌دانست.

#### نقش سیاسی جمال‌الدین در ایران

سومین سخنران این هم‌اندیشی، صادق عبادی، پژوهنده و مدیر هفته‌نامه الشهد که به زبان عربی در تهران منتشر می‌شود بود. وی در سخنانی اظهار داشت درباره سید جمال حرف و حدیث فراوان گفته شده است اما هیچکس تردید ندارد که او رهبر جنبش رهاییبخش علیه دخالت بیگانگان در سرزمینهای اسلامی است. چکیده برنامه اصلاحات وی عبارت بود از:

۱. مبارزه با استعمار و نفوذ اجانب در کشورهای اسلامی که سردمدار آن در آن برهه بریتانیا بود.
۲. مبارزه با استبداد سیاسی حاکم و دعوت به قانونمداری. وی استبداد را مخالف شور و رایزنی که اسلام بدان فراخوانده است می‌دانست از این رو خدیومصر، سلطان عثمانی و پادشاه ایران را به وضع قانون اساسی و تشکیل مجلس دعوت می‌کرد.
۳. بیدارگری مسلمانان با توسل به راهکارهای دینی، عقلی، زندگی اجتماعی، آزادی، استقلال، عزت و کرامت. وی در این راه آموزش دادن، نوشتن مطالب آموزنده، نامه‌نگاری و ارتباطات رسانه‌ای را به خدمت گرفت.
۴. بازنگری و اصلاح اندیشه اسلامی از راه فهم خردمندانه دین و پرهیز از خرافات و اسرائیلیاتی که به غلط به دین راه یافته است.
۵. دعوت مسلمانان به وحدت در سایه همزیستی در اجتماع بزرگ اسلامی و اجتناب از اختلافات سیاسی، مذهبی و فکری.

<sup>۳</sup>. مالک بن نبی، وجه‌العالم الاسلامی، ترجمه: دکتر عبدالصویر شاهین، دمشق، دارالفکر، ط ۵، ۱۹۸۶.

به زعم این سخنران سیدجمال در صدد ایجاد یک جبهه اسلامی متشکل از کشورهای ایران، مصر و عثمانی بر علیه دخالت‌های استعمار انگلیس بود. وی در جریان جنبش تنباکو و آنچه پس از آن منجر به نهضت مشروطیت شد، دخالت داشت. سید در نخستین دیدار خود با ناصرالدین شاه به وضوح بر ضرورت انجام اصلاحات اجتماعی و سیاسی تأکید ورزید اما شاه از مواضع وی هر اسناک شد. جمال‌الدین بهترین راهکار اخراج بیگانگان و بازگشت عظمت مسلمانان و ایجاد تغییر و تحول در جوامع اسلامی را همانا رهبری علمای دین در این صحنه می‌دانست. وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۷ش در ایران را می‌توان تا حدودی الهام یافته از افکار سیدجمال برشمرد. دکتر علی شریعتی وی را مغز متفکر جهان اسلام و معمار اسلام نو می‌داند. به زعم آیت‌الله مرتضی مطهری، سیدجمال تأثیر فراوانی بر دیدگاه سیاسی علمای شیعه نهاد و پرچمدار حرکت اصلاحگری در سده اخیر به شمار می‌آید. از نگاه حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، در حالی که جهان اسلام در شرایط اسفناکی بسر می‌برد و پراکندگی و اختلاف و درگیری در جوامع اسلامی آشکار بود، سیدجمال‌الدین منادی وحدت اسلامی شد. وی مرد انقلابی و اصلاحگری بود که بذور بیداری در دل‌های مسلمانان کاشت. به باور دکتر حمید عنایت، استاد دانشگاه، کاربست‌های اصلی که به منظور اصلاح جوامع اسلامی از سوی سیدجمال مطرح نظر بود عبارتست از:

۱. باور قدرت ذاتی اسلام در رهبری مسلمانان.
۲. مبارزه با روحیه انزواطلبی و سکون و بی‌تحرکی در جوامع اسلامی.
۳. بازگشت به منابع اصیل اندیشه اسلامی به دور از پیرایه‌های موجود.
۴. تفسیر خردمندانه آموزش‌های اسلامی و فراخوان مسلمانان برای فراگیری علوم روز.
۵. مبارزه با استعمار و استبداد به مثابه گام نخست جنبش اجتماعی مسلمانان.

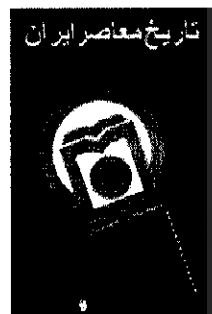
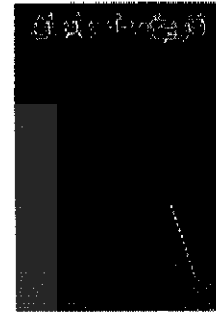
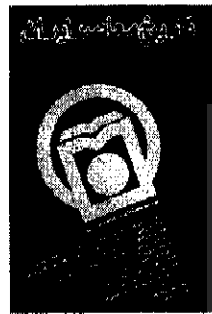
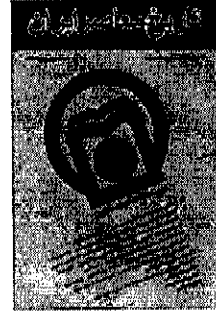
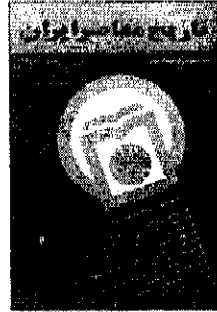
#### ابعاد سیاسی مفهوم عدل در اندیشه سیدجمال

سخنران واپسین آخرین جلسه سمینار، دکتر مصطفی منجود، استاد علوم سیاسی دانشگاه آل‌البیت با عنوان ابعاد سیاسی مفهوم عدل در اندیشه سیدجمال، بود. وی در سخنان خود اظهار داشت که سیدجمال از معدود اندیشمندانی است که جمع میان اندیشه و عمل به شمار می‌آید. مفهوم عدل در اندیشه سید دارای بار و ارزش سیاسی خاصی است. او عدل را حلقه وصل پیوندهای دینی میان مسلمانان به شمار می‌آورد. به زعم سید، عدم توجه به این مقوله و تجاوز از آن عامل بسیاری از گرفتاری‌های مسلمانان به شمار می‌آید. حاکمان ستمگر شایسته اداره جوامع اسلامی که می‌بایست مبتنی بر



سیدجمال‌الدین اسدآبادی با لباس عربی در مصر، به همراه محمدحسین امین دارالضرب  
و چند تن از ایرانیان همراه وی [ ۱۳۱۶-۱ ]

عدل باشد راندارند. از منظر جمال‌الدین قیام علیه دستگاه حکومتی فاسد، ضرورتی شرعی و سیاسی به شمار می‌آید.  
در پایان آخرین نشست سمینار آقایان دکتر رحیل غرایبه، حسن التل، دکتر محمد میادینی، دکتر عبدالجبار سعید، دکتر سعید تبار، دکتر احمد شوابکه به جمع‌بندی مباحث مطرح در سمینار پرداختند و به اتفاق اذعان داشتند که پرونده تحقیق و بازنگری درباره هیچ یک از رجال و رخداد‌های تاریخی بسته نمی‌شود و همچنان بحث در باره افکار سیدجمال و رفتار سیاسی و اجتماعی وی تداوم خواهد یافت.



پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی